

مطالعه و تصحیح نسخه «رساله‌ای در دفع وبا» از میرزا ابوالحسن خان دکتر (معمداالسلطان)

سید علیرضا گلشنی الف، قباد منصوربخت الف*، حجت عبادی منش ب

الف گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران، ایران
ب گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

نسخه «رساله‌ای در دفع وبا» از ابوالحسن خان بهرامی (تفرشی)، پسر عبدالوهاب خان تفرشی مشهور به میرزا ابوالحسن خان دکتر (معمداالسلطان) (۱۲۶۱ تا ۱۳۳۲ ه.ق/۱۸۴۵ تا ۱۹۱۴ م)، از پزشکان طب سنتی و طب مدرن در دوره قاجار (۱۲۱۰ تا ۱۳۴۴ ه.ق) است. این نسخه چاپ خطی منحصر به فرد و به زبان فارسی در کتابخانه نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی با شماره نسخه ۱۰۲۶ نگهداری می‌شود. این پژوهش به شیوه تحلیلی-انتقادی و با روش کتابخانه‌ای-اسنادی انجام شده است و بعد از بازخوانی و تصحیح نسخه «رساله‌ای در دفع وبا» به منظور رسیدن به اهداف پژوهش، اطلاعات جمع‌آوری شده تجزیه و تحلیل شد. محتوای رساله در دو باب نوشته شده است؛ ابتدا این رساله طبعی به طبیعت مرض وبا و دستور محافظت اشخاص از آن توجه دارد و دوم به تفصیل مرض وبا و علاج بیماری پرداخته است. در این پژوهش ابتدا در مقدمه به تاریخچه مختصری از شیوع وبا در دوره قاجار و علتی که نگارنده، دکتر ابوالحسن خان بهرامی (تفرشی)، بیان کرده و در نهایت به تصحیح علمی و ادبی نسخه «رساله‌ای در دفع وبا» می‌پردازیم.

تاریخ دریافت: آبان ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: دی ۱۴۰۳

کلیدواژه‌ها: وبا؛ تاریخ پزشکی؛ تاریخ قرن ۱۹

مقدمه

فهرستواره منزوی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی و کتابخانه مرکز و اسناد ملی باقی مانده است.

انگیزه اصلی در نگارش این رساله را می‌توان شیوع بیماری وبا در رشت در سال‌های ۱۲۹۳ تا ۱۲۹۴ ه.ق/۱۸۷۶ تا ۱۸۷۷ م بدانیم که چیزی بین ۱۰ تا ۱۲ هزار نفر را در حدود گیلان تلف کرد که به این دلیل که دکتر ابوالحسن خان بهرامی در این منطقه به مداوای بیماران مشغول بوده و همواره اهل پژوهش بوده به شرح، تدوین و تحقیق بیماری وبا می‌پردازد. او در هنگام بازگشت به تهران «رساله وبا» را در اختیار مجلس حفظ الصحة تهران قرار می‌دهد که مورد توجه و تحسین پزشکان طب مدرن و سنتی دوره قاجار قرار گرفته است. این رساله آن‌چنان اهمیت می‌یابد که او را به عضویت «مجلس حفظ الصحة تهران» درمی‌آورد (۱).

«مجلس حفظ الصحة تهران» با همت دکتر ژوزف دزیره تولوزان (Dr. Joseph Désiré Tholozan) (۱۸۲۰ تا ۱۸۹۷ م)،

ابوالحسن خان بهرامی، پسر عبدالوهاب خان تفرشی مشهور به میرزا ابوالحسن خان دکتر (معمداالسلطان)، در ۲۳ ربیع‌الاول ۱۲۶۱ مصادف با ۱ آوریل ۱۸۴۵ میلادی در طرخوران از روستاهای بزرگ تفرش (در استان مرکزی فعلی) متولد شد و در ۱۳۳۲ ه.ق/۱۹۱۴ م به دلیل بیماری سپتی‌سمی (عفونت خون) در تهران درگذشت (۱). او از پزشکان و جراحان معاصر ایرانی و از پیشگامان ترویج طب نوین اروپایی در کنار دانش طب اصیل ایرانی است (۱). در مورد بیوگرافی او در اکثر متون تاریخی گزارش مفصلی آمده که به بازگوکردن آن در اینجا نیاز نیست، اما مسئله‌ای که سبب شده در این پژوهش در مورد دکتر ابوالحسن خان بهرامی سخن به میان آورده شود، رساله طبعی منحصر به فردی است که با عناوین «وبا»، «رساله‌ای در دفع وبا» و «رساله در مرض وبا» نشانی از آن در کتابخانه دایره‌المعارف بزرگ اسلامی،

روش بررسی

روش تحقیق در این پژوهش، روش تاریخی با رویکرد تحلیلی-انتقادی و تصحیح نسخه خطی و شیوه گردآوری مطالب به صورت کتابشناسی (Bibliography) است و روش انجام این تحقیق، مطالعه توصیفی متکی بر منابع کتابخانه‌ای و بررسی تحلیل علمی نسخه خطی بر مبنای دوره تاریخی موردبحث به شیوه پژوهشی جدید می‌باشد. در نهایت مراحل گردآوری و تدوین این تحقیق از آغاز تا خاتمه به این ترتیب می‌باشد: الف) مطالعه دقیق نسخه رساله خطی «رساله‌ای در دفع وبا» از دکتر ابوالحسن خان بهرامی (تفرشی)، پسر عبدالوهاب خان تفرشی مشهور به میرزا ابوالحسن خان دکتر (معمدالسلطان؛ ب) بازخوانی، ترجمه و تصحیح دقیق نسخه طبی؛ ج) استفاده از دایره المعارف و لغت‌نامه‌های معتبر برای اصطلاحات طبی برای بررسی و تحلیل هر چه بهتر اطلاعات؛ د) تدوین و نگارش مطالب.

اما نکته‌ای که سبب توجه نگارندگان این مقاله به نسخه نسبتاً کامل باقی‌مانده از نسخه «رساله‌ای در دفع وبا» از شخصیت معروفی در مدرسه دارالفنون، یعنی دکتر ابوالحسن خان بهرامی (تفرشی) شده، رساله طبی منحصربه‌فردی است که از سوی حکیم مزبور تدوین شده و به صورت دست‌نویس در سده ۱۳ ه‍.ق، به صورت نسخه خطی با شماره نسخه ۱۰۲۶ در گنجینه نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی به زبان فارسی باقی مانده که پژوهشگران این تحقیق از این نسخه برای تصحیح استفاده کردند (۴).

یافته‌ها

پوشیده نماند که دواهای مسطور در این رساله بر دو قسم است: یکی فرنگی که استعمال آن در وقت احتیاج بدون اجازه طبیب جایز نیست، دویم دواهای معمول بلدی [مربوط به شهر (۵)] که همه‌کس در موقع ضرورت می‌تواند استعمال نماید (صفحه مقدمه رساله).

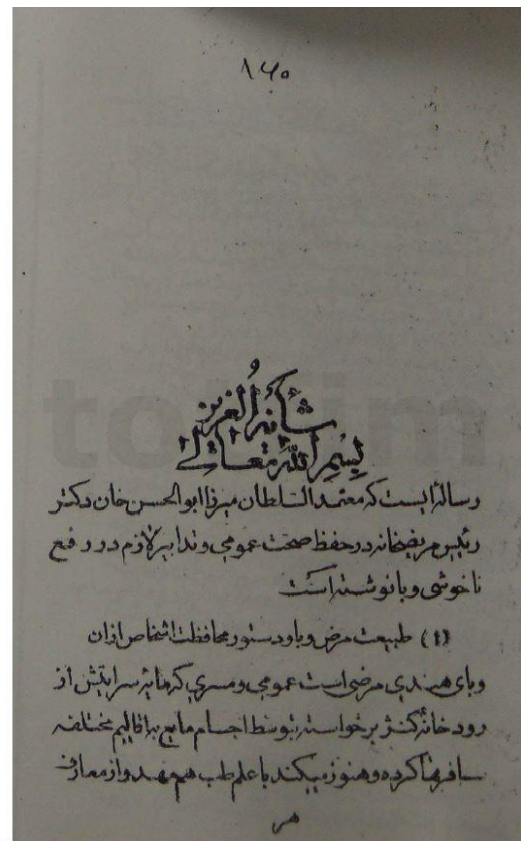
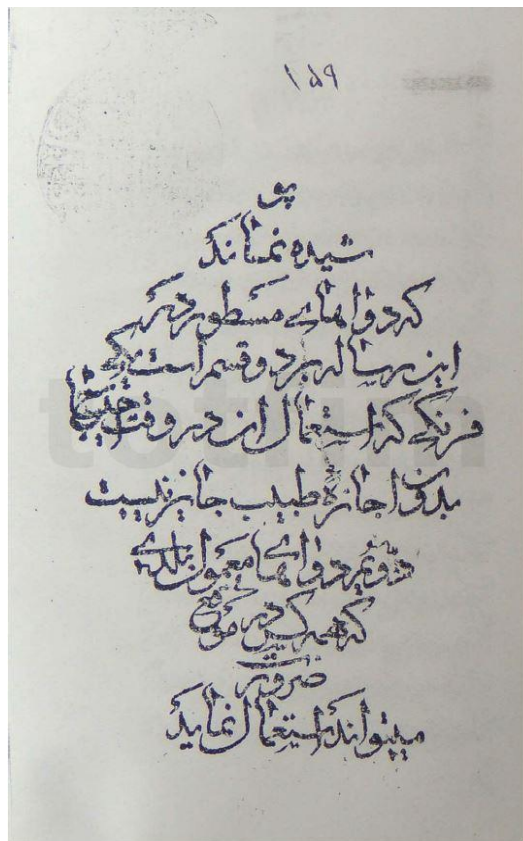
پزشک و همه‌گیرشناس (Epidemiologist) فرانسوی و پزشک مخصوص ناصرالدین‌شاه (حکومت ۱۲۶۴-۱۳۱۳ ق/ ۱۸۴۸-۱۸۹۶ میلادی)، در سال ۱۲۹۲ ه‍.ق/۱۸۷۶ م در تهران تأسیس شد. مجلس مزبور به منظور کشف علل و عوامل پیدایش و شیوع وبا که به طور متناوب در ایران شیوع می‌یافت و نیز مبارزه با آن احداث شده بود، اما معمولاً در هنگام شیوع وبا این مرکز مشغول به کار بود. پس از مرگ دکتر تولوزان، حدود دو سال دکتر بازیل (Dr. Basile)، پزشک ارمنی فرانسوی و معلم پزشکی در مدرسه دارالفنون، آن را اداره کرد و بعد این مجلس تعطیل شد تا این‌که با شیوع وبا در سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۱ ه‍.ق/۱۹۰۴ م دکتر ژان اتین ژوستن شنايدر (Dr. Jean-Etienne Justin Schneider)، اتریشی‌الاصل و اهل آلزاس و از پزشکان ارتش فرانسه، به عنوان پزشک مخصوص مظفرالدین‌شاه مأموریت یافت تا مجدداً به احیای مجلس حفظ الصحة و به مبارزه با بیماری‌های عفونی و واگیر بپردازد. در نتیجه، این مجلس متشکل از پزشکان اروپایی مقیم تهران و چند پزشک ایرانی مجدداً احیا شد (۲، ۳). دوروتی دو واریزی ارمال (Dorothy de Warzee Hermalle)، همسر لئون لوماری دو واریزی (Leon Lomari de Warzee) دیپلمات بلژیکی، در این باره گفته که به همت مجلس حفظ الصحة در اپیدمی طاعون در سیستان به سال ۱۳۲۲ ه‍.ق و نیز اپیدمی وبا در همین سال، اقدامات زیادی انجام شده بود. از طرف این مجلس چندین بار کمیسیون تشکیل و جزوه‌های راهنمای شناخت و رعایت اصول بهداشتی تهیه شده بود تا مردم را با علل بروز وبا و دیگر بیماری‌ها و جلوگیری از آنها آشنا کنند (۳).

درواقع شاید بتوان چنین ادعا کرد که «رساله‌ای در دفع وبا» از دکتر ابوالحسن خان بهرامی (تفرشی)، یکی از متون مهم آموزشی دانش پزشکی در مقابله با بیماری وبا در «مجلس حفظ الصحة تهران» است که در اینجا به بررسی و تصحیح نسخه کاملی از آن خواهیم پرداخت، تا بهتر به جایگاه اصلی این نسخه در تاریخ پزشکی در دوره قاجار و اهمیت تاریخ بیماری وبا در این دوره پی ببریم.

بسم الله تعالى شأنه العزيز

رساله‌ای است که معتمد السلطان، میرزا ابوالحسن خان

دکتر، رئیس مریض‌خانه در حفظ صحت عمومی و تدابیر لازم در دفع ناخوشی وبا نوشته است (تصویر ۱) (۴).



تصویر ۱. صفحه اول رساله

(۱) طبیعت مرض وبا و دستور محافظت اشخاص از آن

وبای هندی مرضی است عمومی و مسری که مایهٔ سرایتش از رودخانهٔ کنڑ [رود گنگ، بزرگ‌ترین رود شبه‌قارهٔ هند و دارای ۲۵۰۶ کیلومتر طول است (۵)] برخاسته به‌توسط اجسام مایع به اقالیم مختلفه مسافرت‌ها کرده و هنوز می‌کند، با علم طب هم‌مهد و از معارف (صفحه ۱) هر عهد بوده است. چنانچه در سه موضع از کتاب مقدس تورات، شرحی از خطر و گریز از این مرض مرقوم آمده ابقراط [بقراط یا هیپوکراتیس (۳۷۰ تا ۴۶۰ هـ.ق) پزشک یونانی (۵)] در کتاب پنجم امراض اپیدمی تفصیلی از آن نگاشته و در کتاب سانسکریت هند به اسم سی‌تانکا (हैजा: بلای سیاه) نوشته شده. چینی‌ها هلوان (Huòluàn : 霍乱) و یونانی‌ها کلرا

[Choléra : Χολέρα] (صفراوی) نامش نهاده، اعراب و اروپاییان به‌نوبت در تحقیق طبیعت و معالجهٔ این حلت [ضعف، فتور یا جهت چیزی (۵)] کوشیده‌اند.

با وجود قدیمی‌بودن مرض، طبیعت مایهٔ مسری معلوم نشده و هر کس در باب اصل مرض وبا خیالی کرده. بعضی به آثار کواکبش [ستارگان یا اجرام آسمانی (۵)] بسته و برخی بلای آسمانی‌اش دانسته، گروهی تعفن [بوی‌بد، عفونت، گندیدگی (۵)] هوایش بسته می‌دانستند تا در این چند سال که از سعی اطبای معاصرین خاصه دکتر کخ آلمانی [روبرت کخ (Heinrich Hermann Robert Koch) (۱۸۴۳ تا ۱۹۱۰م)، پزشک و دانشمند میکروب‌شناس آلمانی (۶)] با ذره‌بین و زحمت بسیار معلوم شد که این مایهٔ هوامی [موجودات ریز،

حشرات زهردار و موذی (۵) است ذره‌بینی که با آب به بدن انسان داخل شده، هستی را به باد می‌دهد.

از قدیم تاکنون همه مردم مصروف به دفع مایه سرایت این مرض و خلاصی نوع انسانی از این بلا بوده در این راه بسی کوشیده (صفحه ۲) و در تدبیر را بر همه تدبیرات ترجیح داده تا امروز تدبیر بهتری از این دو تدبیر معلوم نشده، بلکه سیمی از برای آنها به دست نیامده است، یکی منع مایه مسری از دخول به شهر و بلد و دیگری برداشتن استعداد [توانایی (۵)] شهری از قبول این مایه چون تخم این هوام بی‌واسطه آب از جایی به جایی انتقال نمی‌یابد. تدبیر اول عبارت است از این که دور بلد مبتلا به وبا را احاطه کرده (گردن‌سانی‌تر) [در معنای فرانسوی: Cordon sanitaire به معنای حلقه بهداشتی است] حیوان و انسان آن بلد را مانع از دخول به شهر و بلاد مجاور شده در صورتی مردم ناگزیر از راه‌دادن مجاور و مسافری باشند بر مدخل شهر و بلد خود حفظ گاهی که چهل روز گذرندگان از نقطه مبتلا را در آنجا نگاه دارند (گرانین) [قرنطینه (۵)] قرار داده در این مدت بعضی تدبیرات از قبیل دود گوگرد و بخورهایی که هوام [موجودات ریز یا همان میکروب‌ها (۵)] ذره‌بینی را می‌کشد معمول داشته پس اجازه به دخول هر شهر و بلدی می‌دهند (۴).

تدبیر دوم رفع استعداد شهر است از قبول این هوام و پروردن آن یعنی تدبیری که آب را برای زندگانی‌اش ناسازگار (صفحه ۳) ساخته، مانع توالد و زیادشدنش بوده، راه تغذیه را بر او ببندند تا از گرسنگی و بی‌برگی [احتیاج (۵)] بمیرد.

از آنجا که غذای هوام و بایی از کسافت [احتمالاً منظور نویسنده واژه کثافت باید باشد که به اشتباه املائی آمده و به معنی تعفن و فساد است (۵)] مخلوط به آب‌ها و مواد گندیده است، چون بخواهند بی‌غذا بماند کسافت را از آب‌ها برداشته در پوشیدن و پنهان کردن فضلات طبیعی بکوشند، مبدا که این حیوان بر آنها راه کند، چراکه یک دانه از این هوام خود را به چاه مبالی [چاه فاضلاب (۵)] کشاند در چند ساعت عدد را به کرورها می‌رساند. پس شرط نخستین پاک کردن نه‌رها و چشمه‌ها و حوض‌ها و آب‌انبارها و منع‌ها

و حمام‌هاست که باید اهل شهر همدست شده حوض‌ها و آب‌انبارها را زیرآب [مخرجی در بسته در تک‌خزانه یا حوض یا آب‌انبار و غیره که به چاهی یا مغاکی منتهی می‌شود تا آنگاه که خواهند، آن را باز کنند و آبدان از آب و لجن تهی شود (۵)] زده و شسته، آب تازه در آنها بسته، به‌قدری که مناسب وسعت حوض و آب‌انبار باشد آهن در آنها گذاشته، هیچ‌گونه غفلتی در این میان روا ندارند که مایه ملامت خود و شماتت همسایه است.

شرط دوم پاک‌داشتن مبال‌هاست [«مبال» از ریشه «بول»، که عربی و اسم مکان است، آمده و به معنی «محل ادرار» است. طهارت‌خانه، آبریز، حاجت‌خانه (۵)] بدین که وضع چاه و نشیمن‌گاه را قسمی [نوعی (۵)] ترتیب بدهند که فضلات در نشیمن‌گاه جمع نشود همه‌روزه مبال را شسته آب‌آهک در آن ریخته و یا محلول (صفحه ۴) م در ۱۰۰ زاج سبز [۱۰۰ مقاومت چنددارویی (MDR)، سولفات آهن یا زاج سبز (۵)] بدان پاشیده دقت در پاکی آن داشته باشند.

شرط سیم پاک نگاه‌داشتن کوچه‌ها و پس‌کوچه‌ها و دکان‌ها و خرابه‌ها و باره‌بندها و طویله‌ها و خانه‌هاست از اقسام کسافت و پلیدی و چیزهای گندیده و بدبو مانند نعش حیوانات و فضلات نباتی و مدفوع انسان و حیوان.

چون بلای وبا در شهری بالا گیرد باز چاره هر خانه منحصر بدین دو تدبیر است که منع ورود هوام ذره‌بینی و بی‌غذاگذاشتن آن باشد چنان‌که ورود اشخاص و حیوانات بیرونی را مانع بوده آبی که از مجاری مشکوک بگذرد به خانه راه نداده، اجسام آبدار و تر از قبیل میوه‌جات و سبزی‌آلات و هرچه بدون پختن مصرف شود به خانه نیاورده به کلی مانع ورود اجسام حامل تخم این هوام شده. تدبیر دوم که عبارت از پاک‌داشتن خانه و حوض و آب‌انبار و مبال و غیره باشد معمول دارند.

در صورت ورود این هوام به هر خانه باز تکلیف هر شخصی به‌جای (صفحه ۵) آوردن دو تدبیر مذکور است بدین که: ۱- در آب شستنی و نوشیدنی، دقت کافی نموده آبی که در یک شبانه‌روز مصرف می‌کند در ظرف مخصوص جوشانیده در تنگ بلور در سنباده [ماده‌ای برای بریدن و

ورم غشای درونی قلب و ولول بطنی [احتمالاً فیبریلاسیون بطنی باید باشد] و ترمبوز لیفی [ترومبوز وریدی یا شریانی، لخته در داخل عروق (۵)] قلب و امبولی [آمبولی یا رگ‌بستاک، انسداد ناگهانی سرخرگ است (۵)] عروق شعریه [مویرگ‌ها (مویرگی) (۵)] است (۴).

چون در این مرض رطوبت خون به اسهال دفع می‌شود خون در (صفحه ۷) ورید و عروق شعریه منجمد شده، عمل دوران و تولید و تصفیه خون معوق مانده، حرارت بدن نقصان فاحش یافته، اطراف سرد و نبض ساقط گشته، به هلاک می‌انجامد.

در بعضی بروز مرض چند روز اسهال نزله [سرماخوردگی یا زکام که با خرابی سینه و سرفه همراه است (۵)] مقدمه داشته، عموماً مرض وبا دو هنگام دارد: یکی هنگام بروودت که وقت کبودشدن بدن و سردی است و دیگری هنگام هیجان که در آن حین، نبض سرعت یافته، حرارت بدن برگشته و جلد سرخ‌شده، ادرار دست داده، صدا باز می‌شود، در این هنگام در بعضی بثورات سرخچه‌شکل در جلد ظاهر می‌گردند، که بی‌خطر و از علامات مخصوصه‌اند ولی تمام خطر این هنگام در این است که رجعت ناگهانی دوارش [سرگیجه (۵)] و حرارت به واسطه امبولی شعریه موجب ورم ریه و پرده‌های مغز و سایر احشا تواند شد. همیشه در بول وبایی مقداری البومین [البومین به گروهی از پروتئین‌های محلول در آب گفته می‌شود (۵)]. است که تمام‌شدنش دلیل بر شفایافتن شخص وبایی می‌باشد، چون سردی بدن بدانجا رسد که میزان حرارت ۲۹ درجه در زیر بغل و ۱۹ درجه در جلد [پوست بدن (۵)] نشان دهد هلاکت یقین است، ولی اتفاق هلاکت منحصر (صفحه ۸) به هنگام بروودت نبوده، بسیار وبایی که در هنگام هیجان تلف شده‌اند. مریضی که در همان هنگام بروودت در ظرف چند ساعت درگذرد، احتیاط در دفنش کنند، چه مدتی به همان حالت سردی هست ولی نمرده است، شاید که اگر مدتی بگذرد هنگام هیجان دست‌داده، شفا پذیرد.

ایام نقاهت شخص وبایی، طولانی و با اذیت و در بعضی با جزئی آثار عصبانی و متشنج‌ماندن اطراف است.

صیق‌زدن یا برداشتن لایه‌های نازک از روی سطح مواد سخت (۵) از هوا حفظ کرده، در اطاقی که با ادویه مانع تعفن آغشته باشند، در تَنگ را باز کنند؛ ۲- از اجسام تر و آبدار که بی‌جوشانیدن خورده شوند به کلی پرهیز داشته، دست به طرف هیچ میوه دراز نکنند؛ ۳- غذا تا جوشیده و گرم است خورده، از غذای سرد و شب‌مانده به کلی صرف‌نظر کنند؛ ۴- از آنجا که ضعیف‌شدن آلات بدنی مخصوصاً مجرای تغذیه، اسباب قبول این هوام است همیشه حالت این مجرا را مراعات کرده، ضعف معده و روده را به تدابیر مخصوصه به دفع آنها رفع نموده از هرگونه افراطی از حرکت و جماع و خوردن و نوشیدن برحذر بوده، بلکه افراط در طعم را هم مضر بداند؛ ۵- بدن را پاک نگه داشته، از لباس چرک احتراز نماید؛ ۶- دست و لباس را به مدفوعات مبتلایان آلوده نسازد؛ ۷- در پاکی اطاق خوردن و خفتن دقت داشته، روزی دو دفعه با محلول اسید فنیک (در ۱۰۰۰) [اسید فنیک یا فنل منجمد یک داروی ضدعفونی‌کننده مهم و محرکی قوی است (۵)] یا سوبلیمه [معنی فرانسوی زهرآبک؛ جسمی است قابل‌تصعید که در آب محلول است و از گرم‌کردن سولفات مرکوریم و نمک به‌دست آید (۵)] به همین (صفحه ۶) مقدار در و دیوار اطاق را با پولورتیراتور [احتمالاً محلول ضدامراض که با آب ترکیب می‌شود (۵)] آغشته ساخته، تمام اسباب خانه و رختخواب و غیره را پس از شستن و پاک‌نمودن بدین محلول آلوده [مالیده به چیزی، آغشته (۵)] سازد؛ ۸- مدفوع و قی و اسهال وبایی را دفع نموده و یا سوزانیده لباس و رختخواب و سایر ملبوس او را سوزانیده و یا جوشانیده هر دفعه که از مبال به درآید مبال را شسته محلول زاج سبز در آن بریزند؛ ۹- آبی که دست و صورت بدان می‌شویند و طهارت از آن می‌گیرند محلول ضعیفی از اسید فنیک باشد (۴).

(۲) تفصیل مرض وبا و علاجه

مرض وبای هندی شناخته می‌شود به اسهال مایع زیادی پر از دانه‌های سفید و کرم کوچک ذره‌بینی باقی و تشنج و کبودشدن لب سر انگشتان و گرفتن صدا و نبودن ادرار که علامت تشریحی آن بزرگ‌شدن غدد متفرقه روده و در بعضی

علاج- هیچ پولیس حفظ صحّتی تاکنون قابل جلوگیری عمومیت وبا نبوده، ولی این قدر هست که باید اجزای حکومت هر شهر مترصد باشند که چون در نقطه معینی مرض وبا بروز کند، اشخاص موضع را متفرّق ساخته، مانع رسیدن تخم حیوانات ذره‌بینی به محل مجاور گردند، بدین که:

۱- لباس و رختخواب شخص وبایی را سوزانید و یا جوشانیده و یا به مدت یک ساعت در نمک آبی که ۲۰۰ مثقال نمک طعام در ۱۸۰۰ مثقال آب باشد خیسانیده، لگن و طشتی که در آنها قی و اسهال کرده باشند در چاهی خالی نموده، در ظرف بزرگی گذاشته، کلرور دُشو را [کلرور دوشو یا کُلرور آهک (Chloride of lime) (۵)] (صفحه ۹) خشک ۱۰۰ مثقال، آب ۸۰۰ مثقال در آن ظرف ریخته، تکان بدهند تا آب به همه‌جای آنها برسد و رویشان را بگیرد پس بیرون آورده و در آب شسته، خشک نمایند، محلول کلرور دُشو را در همان چاهی که مدفوع وبایی را در آن ریخته‌اند، بریزند؛ ۲- هر صبح و عصر این محلول را (زاج سبز ۱۰ مثقال، آب ۲۰۰ مثقال، محلول اسید فنیکی که در هزار ۲۰ مثقال) در مبالی که شخص وبایی در آن نشسته باشد، بریزند؛ ۳- در اتاقی که خوابیده باشد چند بشقاب پر از کلرور دُشو چیده، این محلول را (آب ۲۰۰۰، الکل ۲۰۰، اسید فنیکی ۱۰ مثقال) که در مریض‌خانه باید به کار داشت، بخور کنند.

در اوقات وبایی چون کسی را اسهالی دست دهد، امساک از اغذیه و اشربه نموده، غذا حریره نشاسته و دوا مطبوخ دو مثقال پوست گنه‌گنه یا ده دانه سنجد تلخ و شربت لعابی از به‌دانه و بارهنگ یا صمغ است. دو دانه سفیده تخم در یک بطری آب و یا ۱۵ نخود لیمنا سولفوریک [لیموناد اسید سولفوریک صنعتی یا سولفوریک اسید (۵)] را در ۲۰۰ مثقال آب ریخته به تدریج نوشیده ۶ تا ۱۰ قطره لودانم [لودانوم (laudanum) محلول الکلی (تنتور) ترباک (۵)] در آب نمک (صفحه ۱۰) ریخته (نمک طعام ۱ مثقال، آب ۲۰ مثقال)، اماله [تزریق یا تنقیه (۵)] نمایند، اگر لودانم حاضر نباشد ۲ گندم [واحد سنجش معادل یک‌چهارم نخود و برابر با ۴۸ میلی‌گرم

است (۵)] ترباک را در ۲۰ مثقال آب جوش ریخته دو دانه سفیده تخم مرغ بدان افزوده اماله کنند (۴).

چون اول علامت وبا آشکار گردد ۵ تا ۱۰ گندم عصاره راتانیا [گیاهی از تیره لگومینوز از دسته سزالپینه قسمت قابل مصرف: ریشه. ماده مؤثره تانن (۵)] را در یک استیکان لعاب به‌دانه داغ دم نموده، بدهند. در جایی که عصاره دست ندهد می‌توان یک دانه مازو [میوه کروی‌شکلی است که بر روی تنه درختان به‌ویژه درخت بلوط به‌وجود می‌آید (۵)] را در یک پیاله آب جوشانیده، بنوشانند. ۱۰ تا ۲۰ نخود سونیترا دُیسموت [بیسموت ساب‌سیترا پتاسیم (۵)] و به همین مقدار، معجون مثرودیطوس [مثرودیطوس یک داروی ترکیبی ضدسمّ مشهور است. این داروی ترکیبی از ابتکارات دانشمند و فرمانروای مثرودیطوس، میتريدات ششم، پادشاه پادشاهی آناتولی باستانی پونتوس (۱۳۴ تا ۶۳ ه.ق) است که نام خود را بر آن نهاده است (۷)] معجون خورانیده، تا اطراف سرد نشده است، کلدیورن [Castor oil] یا روغن کرچک به روی شکم بمالند.

در هنگام برودت، شراب گرم‌کرده و پونش [پونه Pennyroyal] گیاهی در داروهای طب سنتی ایرانی و معطر که جزو گیاهان خانواده نعنائیان یا Lamiaceae است. گیاهی است از سرده نعنا و تیره لب‌گلی‌ها و له‌شده برگ‌های آن عطر نعنا دارد (۸)] از چای و عرق و عرق اکلیل‌الجبل [عرق اکلیل کوهی یا رزماری (۵)] یا یک پیاله از مطبوخ، دو مثقال اکلیل‌الملک [یونجه زرد یا ناخنک یا شاه‌افسر (۵)] را با یک قهوه‌خوری عرق مخلوط نموده، بدهند. چای تلخ و قهوه، مخلوط با عرق خورانیده، یک پیاله دم‌نوشانیده عرق نعناع یا پودنه [پونه (۵)] داده، هر دو ساعت یک قاشق آش‌خوری از این مخلوط (صفحه ۱۱) (کلروفرم ۵ نخود، الکل یک مثقال و نیم، استات دُامونیاک ۲ مثقال، آب ۲۲ مثقال، شربت کلریدرات دُمرفین ۸ مثقال) بدهند که تشنج‌های دردناک را رفع نموده، عمل جلد را تحریک کرده، قی و اسهال را بسته، فساد خون را اصلاح نموده، درواقع دواي این هنگام است؛ چون ممکن نباشد، چند دانه قرص پونه خورانیده، مریض را

نمک طعام در ۲۰ مثقال آب حل نموده، بدهند که محض برگردانیدن راه جذب روده بدین جمله ترجیح دارد.

در رفع تشنجات دردناک، سخت بستن بازو و ران و یا انداختن (صفحه ۱۳) حلقه برنجی بدان‌ها و در رفع درد دل، ضماد بزرک [تخم کتان (۵)] با خطمی که چند قطره لودانم به رویش پاشیده باشند بر روی شکم انداخته از ۵ تا ۱۵ نخود کربنات دامونیاک در ۲۴ ساعت در شربت صمغی بخوراند.

از ادویه که در رفع تمام علامات وبا بسی آزموده‌اند، کلراید [کلراید (۵)] دانه است که از ۵ تا ۲۰ نخود در مقدار کمی آب مقطر نوشانیده و آثار معجزه‌آمیز از آن دیده‌اند، چه دافع قی و دردهای تشنجی و کوفتگی کلی است و از همه بهتر خوابی می‌آورد که در این حال مریض کمال احتیاج را بدان دارد (۴).

آبدزدک وریدی شیر را دکتر اودر، بسی مفید یافته است. بدین قسم که گاوی حاضر کرده و شیرش را به روی پارچه تافته که بر دهان ظرف گرم کرده گسترده باشند، دوشیده، آبدزدک گرم کرده و از آن شیر مصفی [صاف‌شده (۵)] پر نموده، یکی از وریدهای شخص وبایی سردشده را گشوده، به تدریج تا ۲۴ مثقال از آن شیر را در ورید آبدزدک کنند که پس از ۳ یا ۴ دقیقه سردی بدن با تمام علامات رديه رفع شده، بدن گرم گشته، شفا حاصل (صفحه ۱۴) می‌گردد و چون این مقدار کافی نباشد ۲۴ مثقال دیگر آبدزدک بزنند.

معالجه هنگام هیجان، ترک ادویه گرم نمایند و خوراندن یک نخود و نیم تا سه نخود گنه‌گنه؛ و چون تب زیاد و علامات ورمی شدید باشد، فصد و چون ورمی در جلد یا ریه یا پرده‌های دماغ ظاهر گردد به معالجات مخصوصه آنها پردازند.

در اوقات نقاهت وبا، مقویات غذایی و اندکی شراب تجویز نموده، از پر خوردن و اقسام افراط برحذر بوده و خود را از اثر هوا محافظت نماید.

نسخه چند است که چون دست به طبیب نرسد، می‌توان به‌کار برد.

در بخار آب بدارند، بدین قسم که دو سه سماور یا ظرف دیگر که پر از آب جوش باشند، به اطاق آورده، در اطاق را بسته، سرشان را بدارند تا بخار آب در تمام اطاق پراکنده شده، بر مریض احاطه کند. خردل و چون حاضر نباشد تخم تره‌تیزک [تخم شاهی یا تخم سپندان (۵)] مسحوق [کوفته یا ریزه‌ریزه کرده (۵)] را خمیر نموده، به بدنش مالیده، پارچه ائمن [متحرک (۵)] داغ یا اتوی آتش‌کرده را در پارچه پیچیده، بر روی مهره کمر، دست و پایش بمالند با روغن بادام تلخ یا آب گلنی [کلونیا شامل ترکیبی از اتانول خالص، آب و موادی که بوی مطبوعی می‌دهند (۵)] و یا روغن حنکری (کافور ۲ مثقال، مسحوق فلفل فرنگی ۲ مثقال، مسحوق خردل ۲ مثقال، سیر کوبیده ۱ مثقال، ذرا ریج [حشره‌ای بالدار به رنگ سبز یا آبی که بیشتر روی گیاه‌های تازه می‌نشیند و سم خطرناکی دارد و خواص طبی دارد (۵)] ساییده نیم مثقال، ۲۴ ساعت در سرکه ۸ مثقال، الکل ۸ مثقال بخیسانند) و روغن تربانتین [روغن سقز؛ نوعی روغن است که از تقطیر رزین برخی از گونه‌های درخت بنه استحصال می‌شود. تربانتین دارای خواص دارویی و صنعتی است (۵)] همه بدنش را مالش داده، روغن آمونیاک (صفحه ۱۲) (آمونیاک ۶ مثقال، روغن زیتون ۲۴ مثقال) مالیده، ۴ مثقال کافور با روغن آمونیاک مخلوط نموده، بمالند. مالیدن روغن تربانتین (اسانس تربانتین ۴ مثقال، روغن بابونه ۱۲ مثقال، لودانم ۸ مثقال) نافع است.

در دفع قی دوی جوش و پارچه‌های کوچک یخ و از ۳ گندم تا ۵ نخود افیون خورانیده، آبدزدک [سرنگ، آمپول، تزریق‌کننده (۵)] زیرجلدی از مرفین (مرفین ۲ گندم، آب مقطر ۲ مثقال) بزنند.

در دفع اسهال اماله لودانمی [داروی ضداعتیاد لودانوم (۵)] و یا تریاکی نموده مطبوخ قهوه و سونیترا دُیسَموت [Bismuth II Nitrate] از یک تا پنج مثقال در یک استیکان شربت قند و یک مثقال و نیم تا دو مثقال دوی جوش شیرین و شربت جوهر گوگرد پاشوره (۵) نخود در ۲۴ مثقال شربت قند) خورانیده و چون هیچ‌کدام حاضر نباشد یک تا دو مثقال

امالۀ نشاسته

نشاسته ۳ مثقال، آب سرد ۴۰ مثقال، نیمی از آب را با نشاسته مخلوط نموده به هم زده، نیمۀ دیگر را جوش آورده، با هم مخلوط نمایند (صفحه ۱۵).

امالۀ لودانمی

لودانم سیدنام (پزشک انگلیسی توماس سیدنهام Thomas Sydenham) ۲۰ قطره، مطبوع خطمی ۵۰ مثقال، ۱۵ نخود نشاسته در آن ریخته اماله نمایند.

امالۀ قابض

لوف گل سرخ از هر یک ۲ مثقال در ۶۰ مثقال آب، دم نموده، صاف کرده، ۱۰ قطره لودانم در آن ریخته، اماله نمایند.

امالۀ تریاک

نشاسته ۲ مثقال در ۵۰ مثقال آب داغ ریخته و به هم زده، یک نخود تریاک بدان مخلوط نموده، اماله نمایند.

حبّ رافع اسهال وبایی

تریاق فاروق ۱ مثقال، کلمبو [کلمبو (Columba) گیاهی طبی، علفی پایا و بالارونده که دارای ریشه‌های ضخیم است (۵)] ساییده ۵ نخود، عصارة افیون ۱ نخود، ۱۲ حبّ نموده، ۱ حب صبح و یکی عصر و چون لازم شود هر چهار ساعت یک دانه بدهند.

مالیدنی محرک جلد

اسانس تربانتین امونیاک از هر یک ۱۰ مثقال مخلوط نموده، به روی مهرۀ کمر بمالند (صفحه ۱۶).

در رفع درد دل وبایی

شربت خشخاش ۲ مثقال، شربت به ۴ مثقال، عرق نعناع ۸ مثقال، آب ۱۰ مثقال مخلوط نموده، به ربع ساعت فاصله در دو یا سه نوبت بنوشند.

مخلوطی است که در وقت سردشدن بدن و سقوط

نبض استعمال کنند

تعفین اتری [تخمیر یا تغییر بو (۵)] سنبل الطیب [گیاه سنبل الطیب پس از خشک شدن به رنگ قهوه‌ای درمی‌آید. طعم آن تلخ ولی خوشبو و معطر است. عطر آن پس از خشک شدن بیشتر می‌شود (۵)] ۱ مثقال و نیم، تعفین کچوله

[جوزالقی (Strychnos nux-vomica) (۵)] ۲۰ نخود، اتر [نمک فرار که از ترکیب یکی از اسیدهای معدنی یا آلی با الکل به دست می‌آید (۵)] ۱۰ قطره، الکل ۱ مثقال، تعفین ارنیکا [گندیده همیشه بهار کوهی (۵)] ۲۰ نخود، عطر نعناع ۱۰ نخود، تعفین افیون ۳۰ نخود، تعفین اکونیت [گندیده زهر هلاهل یا گیاه گرگ کش (۵)] دو مثقال و نیم، ۱۵ تا ۲۰ و ۳۰ و چون لازم شود ۴۰ قطره در یک پیالۀ قهوه خوری شراب ریخته، بدهند.

از دواهایی که در رفع مرض وبا استعمال کرده و مفید دیده‌اند یکی سائل [دارویی فرانسوی که درواقع گردی است متبلور سفیدرنگ با بویی معطر و مطبوع غیرمحلول در آب سرد و گلیسرین و محلول در ۱۰ قسمت الکل و ۳۰ درصد قسمت اتر و یا کلرفرم و بالاخره در اسانس‌ها و اجسام چربی و وازلین به خوبی حل می‌شود. با کافور و نافتول مخلوط مایعی تشکیل می‌دهد (۵)] است از ترکیبات اسید سالیسیلیک [سالیسیلیک اسید (Salicylic acid) یکی از اسیدهای آلی است که دارای مصارف دارویی نیز می‌باشد (۵)] که مسبو خوانتال دوی مخصوص وبا دانسته است، در خمیری که تخم هوام [حشرات زهردار و موذی (۵)] وبایی را در آن گشته و عدد بسیاری از این هوام حاصل کرده بود داخل نموده و دیده است که تمام آنها را (صفحه ۱۷) برطرف نموده و دیگر هر قدر که تخم تازه در آن خمیر ریخته تولید نشده است؛ پس در چندین شخص وبایی سائل را به مقادیر مختلفه استعمال کرده و بسی سودمند یافته، در آخر بدین‌گونه دستورالعمل داده است که در وقت وبایی هرکس در هر نوبت غذا، ۱۰ نخود سائل بخورد مبتلا به وبا نخواهد شد. در شخص مبتلا هم همین که علامات اولیه، بنای بروز گذارند، ۲۰ نخود سائل در یک پیاله لعاب به دانه داغ ریخته همین که به صورت روغن بادام شد، داده؛ پس هر ساعتی ۵ نخود بدهند تا به کلی یقین بر شفا حاصل شود. اگر مقدارش در یک شبانه‌روز به چهار مثقال هم برسد باکی نیست (۴).

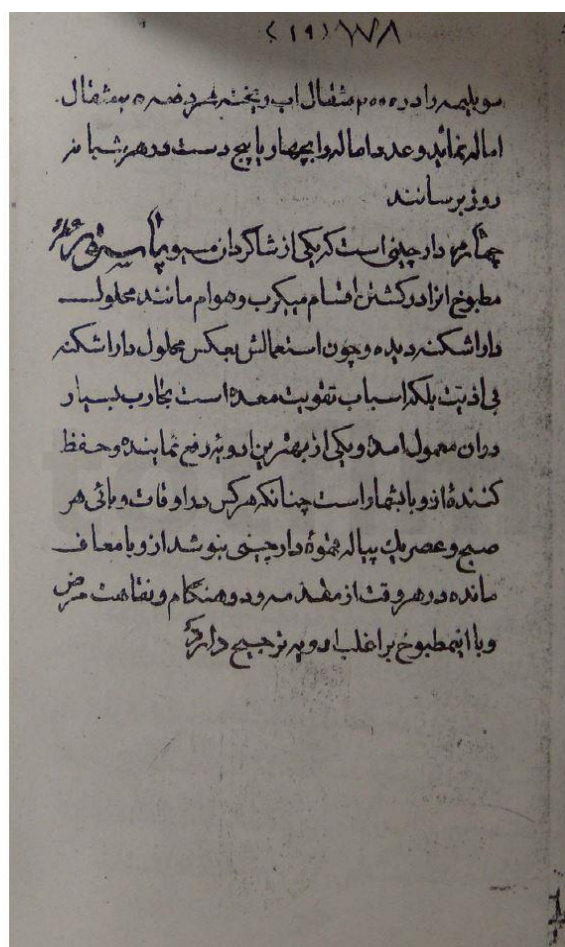
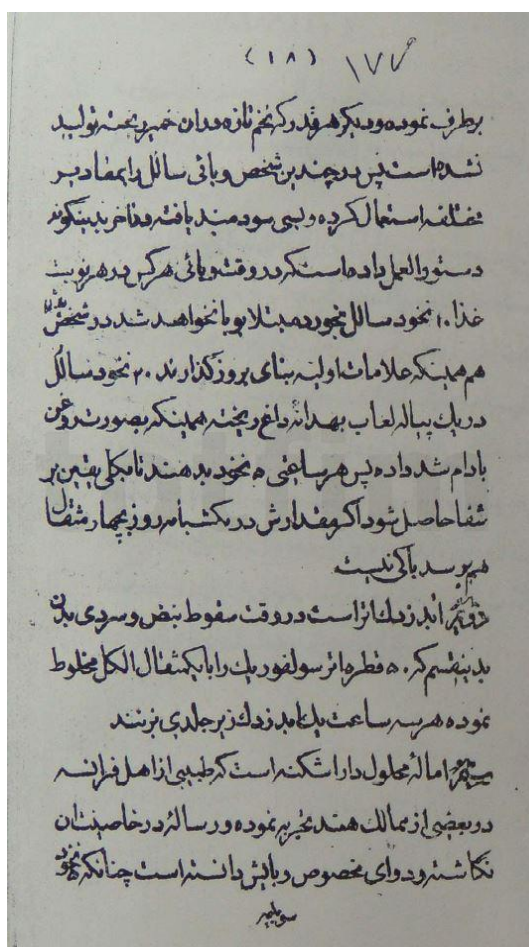
دویم آبدزدک اتر است. در وقت سقوط نبض و سردی بدن بدین قسم که ۵۰ قطره اتر سولفوریک را با یک مثقال الکل مخلوط نموده هر سه ساعت یک آبدزدک زیرجلدی بزنند.

شیمی‌دان و زیست‌شناس مشهور فرانسوی است (۹). عطر و مطبوخ آن را در کشتن اقسام میکروب و هوام [موجودات زهردار و موزی (۵)] مانند مخلوط داراشکنه [ماده‌ای سمی که از ترکیب کلر و جیوه یا ترکیب جیوه و سم‌الفار به دست می‌آید (۵)] دیده و چون استعمالش بعکس محلول داراشکنه بی‌اذیت بلکه اسباب تقویت معده است تجارب بسیار در آن معمول آمد و یکی از بهترین ادویه رفع‌نماینده و حفظ‌کننده از وبا بشمار است چنانکه هر کس در اوقات وبایی هر صبح و عصر یک پیاله قهوه دارچینی بنوشد از وبا معاف مانده در هر وقت از مقدمه، و در هنگام و نقاهت مرض وبا، این مطبوخ بر اغلب ادویه ترجیح دارد (صفحه ۱۹) (تصویر ۲).

(۴).

سیم امالۀ محلول داراشکنه [ماده‌ای سمی که از ترکیب کلر و جیوه یا ترکیب جیوه و سم الفار (آرسنیک) به دست می‌آید (۵)] است که طبیبی از اهل فرانسه در بعضی از ممالک هند تجربه نموده و رساله در خاصیت آن نگاشته و دوی مخصوص و بایش دانسته است. چنانکه ۵ نخود (صفحه ۱۸) سوبلیمه [Sublime] سمی خطرناک و قابل‌تصعید که در آب محلول شده و از گرم کردن سولفات مرکوریم و نمک به دست می‌آید (۵)] را در ۲۰۰۰ مثقال آب ریخته هر دفعه ۲۵ مثقال اماله نماید و عدد اماله را به چهار یا پنج دست در هر شبانه‌روز برساند (۴).

چهارم دارچینی است که یکی از شاگردان موسیو پاستور [لویی پاستور (Louis Pasteur) (۱۸۲۲ تا ۱۸۹۵ م)،



تصویر ۲. دو صفحه آخر رساله

نتیجه‌گیری

بیماری مهلک وبا که به گفته‌ی هما ناطق به «مرض موت» یا «مرگا مرگی» نیز معروف بوده، یکی از بیماری‌های بسیار شایع در ایران بوده است. شیوع بیماری وبا در رشت سبب نگارش رساله‌ی مهمی در حوزه‌ی بیماری وبا توسط یکی از پزشکان دانش‌آموخته‌ی مدرسه‌ی دارالفنون شد. این اثر آن‌چنان دارای اهمیت بود که صاحب آن به عضویت «مجلس حفظ الصحه‌ی تهران» درآمد. در این تحقیق تلاش شد این نسخه‌ی خطی نستعلیق منحصربه‌فردِ طبّی دوره‌ی قاجار در تهران (توسط کاتبی نامشخص) را که در بخش نسخه‌های خطی کتابخانه با شماره نسخه ۱۰۲۶ به زبان فارسی در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی ایران باقی مانده، بررسی و بازخوانی کنیم. این نسخه در واقع رساله‌ی بسیار مهم در موضوع وبا است؛ «رساله‌ای در دفع وبا» از ابوالحسن‌خان بهرامی (تفرشی)، پسر عبدالوهاب‌خان تفرشی مشهور به میرزا ابوالحسن‌خان دکتر (معمداً السلطان) (۲۳ ربیع‌الاول ۱۲۶۱ تا ۱۳۳۲ ه‍.ق/ ۱ آوریل ۱۸۴۵ تا ۱۹۱۴ م)، از پزشکان طب سنتی و طب مدرن در دوره‌ی قاجار (۱۲۱۰ تا ۱۳۴۴ ه‍.ق) بوده است. بازخوانی و تصحیح علمی و ادبی دوباره‌ی این نسخه‌ی طبّی با دقت بسیار صورت گرفته است. ظاهراً شیوع اپیدمی وبا در رشت در سال‌های ۱۲۹۳ تا ۱۲۹۴ ه‍.ق/ ۱۸۷۶ تا ۱۸۷۷ م از عوامل نگارش این رساله بوده است. در کنار مباحث طبّی و

داروشناسی این پزشک عصر ناصری، روایات متفاوت از تاریخ اجتماعی ایران در دوره‌ی قاجار و شیوع وبا، از نکات قابل توجه این رساله می‌باشد که می‌تواند در مطالعات تاریخ اجتماعی بیماری‌های واگیر در نزد مورّخان اجتماعی پزشکی مورد توجه قرار بگیرد.

تضاد منافع

هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

حمایت مالی

پروتکل این طرح پژوهشی پسادکتر با عنوان: «نقش خطوط کشتیرانی و راه‌آهن بین‌المللی در تسریع انتقال بیماری‌های واگیر به مرزهای سیاسی ایران دوره‌ی قاجاریه (۱۲۱۰ تا ۱۳۴۴ ه‍.ق/ ۱۷۹۶ تا ۱۹۲۵ م)»، تحت حمایت مادی بنیاد ملی علم ایران (INSF) برگرفته‌شده از طرح شماره «۴۰۲۰۷۰۴»، در تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۳۰ تصویب شد.

تشکر و قدردانی

از جناب آقای دکتر محمد صدر که در بازخوانی بعضی کلمات و اصطلاحات فرانسوی و معیار فارسی آن یاریگر بودند، سپاسگزاری می‌شود. همچنین از گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی که در انجام صحیح طرح پسادکتر حامی و پشتیبان بودند، کمال تشکر و قدردانی را می‌نماییم.

References

1. Razpoush Sh. Encyclopaedia of the World of Islam. Tehran: Islamic Encyclopaedia Foundation; 2019. Vol.4. p: 795. [In Persian].
2. Mirsalehian A, Dalvand M. History of bacterial infection diseases in Iran. Iranian Journal of Medical Microbiology. 2018 Oct 10; 12(4): 230-8.
3. De Warzee D. Peeps into Persia. Translated by Tahmasebi Sh. Tehran: Qoqnoos; 2018. p:139-140.
4. Bahrami Tafreshi MAH. *Risalah dar Daf'i Vaba* (Cholera). Tehran: Library, Museum and Document Center of IRAN Parliament; 1876. Manuscript: 1026. P:1-19. [In Persian].
5. Available at: URL: <https://abadis.ir/> Accessed January 07, 2025.
6. Tan SY, Berman E. Robert Koch (1843-1910): Father of microbiology and Nobel laureate. Singapore Medical Journal. 2008 Nov 1; 49(11):854-5.
7. Ciaraldi M. Drug preparation in evidence? An unusual plant and bone assemblage from the Pompeian countryside, Italy. Vegetation History and Archaeobotany. 2000 Jul; 9: 91-8.
8. Gunby P. Medical news: Plant known for centuries still causes problems today. Journal of the American Medical Association. 1979; 241(21):2246-7.
9. Ligon BL. Biography: Louis Pasteur: A controversial figure in a debate on scientific ethics. Seminars in Pediatric Infectious Diseases. 2002; 13(2):134-141.

Studying and Correcting the Version of "Resaleh Dar Daffeh Vabba (Cholera)" by Doctor Mirza Abu'l Hassan Khan (Mu'tamid al-Sultan)

Seyyed Alireza Golshani^a, Ghobad Mansourbakht^{a*}, Hojjat Ebadimanesh^b

^aDepartment of History, Faculty of Letters and Human Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

^bDepartment of History, Faculty of Literature and Humanities, Shiraz University, Shiraz, Iran

Abstract

The copy of the treatise "*Risalah dar Daf'i Vaba (Cholera)*" by Abu'l Hassan Khan Bahrami (Tafreshi), son of Abdul-Wahab Khan Tafreshi, known as Doctor Mirza Abu'l Hassan Khan (Mu'tamid al-Sultan) (1845 to 1914 AD), one of the doctors of traditional and modern medicine in the Qajar period (1794 to 1925 AD). This is a unique manuscript in Persian language that remains in the library of manuscripts of the Islamic Parliament Library with the version number 1026. This research was carried out using an analytical-critical approach and employed a library-document methodology. After re-reading and correcting the manuscript of "*Risalah dar Daf'i Vaba (Cholera)*" in order to achieve the goals of the research, the collected information was analysed. The content of the treatise is written in two chapters. First, this medical treatise focuses on the nature of cholera and orders to safeguard individuals from infection. In this research, we will initially examine in the introduction, a brief history of the outbreak of cholera in the Qajar period and the cause, which was discussed by Doctor Abu'l Hassan Khan Bahrami (Tafreshi). Finally, we will deal with the scientific and literary correction of the "*Risalah dar Daf'i Vaba (Cholera)*" manuscript.

Keywords: Cholera; History of Medicine; 19th century history

Corresponding Author: G_Mansourbakht@sbu.ac.ir